خارج اصول حضرت استاد درایتی

۱۱ مهر ماه ۱۴۰۱

جلسه ۲

۳ - اثبات حجیت برای ظنون، دو تأثیر اساسی در دو حوزه ی مختلف خواهد داشت :

* حوزه ی ثبوت تکلیف — حکم مظنون در حق مکلف، منجّز می باشد و ترک آن مستحق عقوبت است.
* حوزه ی سقوط تکلیف — امتثال ظنی [[1]](#footnote-1) و ظن به تأمین، مستتبع فراغ از تکلیف یقینی می باشد.

مرحوم **آخوند** می فرماید نتیجه ی عدم حجیت ذاتی ظن آن است که ظن نه تنها در حوزه ی ثبوت تکلیف بلکه حتی در حوزه سقوط تکلیف نیز معتبر نمی باشد اما برخی [[2]](#footnote-2) اعتبار ظن به سقوط تکلیف و تأمین از تکلیف متیقن را علی القاعده و غیر مرتبط به حوزه ی مجزیت ظن دانسته اند. از منظر مرحوم **آخوند** این قاعده مدّ نظر آن ها ممکن است عدم قبول وجوب دفع ضرر متحمل باشد زیرا هنگامی که مکلف در فرض ثبوت تکلیف، گمان به امتثال و سقوط آن پیدا می کند، بر اساس وجود احتمال خلاف در امتثال، کما کان احتمال عقوبت بر ترک تکلیف منجز وجود دارد اما از آنجا که دفع ضرر محتمل واجب نمی باشد، یقین به امتثال غیر ضروری و امتثال ظنی کافی خواهد بود، هرچند که این وجه خالی از تأمل نیست. [[3]](#footnote-3)

مرحوم آیت الله **خوئی** می فرمایند نسبت به وجه تأمل مرحوم **آخوند** دو نکته وجود دارد: اولا اگر مبنای حجیت ظن در حوزه ی امتثال، عدم قبول وجوب دفع ضرر محتمل باشد همانا باید امتثال احتمالی نیز معتبر شمرده شود زیرا با اقدام به امتثال احتمالی نیز ضرر عقوبت از مرتبه حتم و یقین به مرتبه احتمال تنزل می یابد [[4]](#footnote-4). ثانیا اساسا نقض و ابرام عقلاء در قاعده ی وجوب دفع ضرر محتمل ناظر بر ضررهای دنیوی است [[5]](#footnote-5) و الا همگان نسبت به لزوم دفع ضررهای اخروی اتفاق نظر دارند و احتمال هرگونه ضرر در مقیاس آخرت را واجب الدفع می دانند و لذا فحص در شبهات حکمیه از نظر همه واجب می باشد. بنابراین کافی بودن امتثال ظنی زمانی می تواند نتیجه ی عدم وجوب دفع ضرر محتمل تلقی شود که احتمال ضرر مدّ نظر در این قاعده را اعم از ضررهای دنیوی و أخروی بدانیم در حالی که کسی چنین ادعایی ننموده است. [[6]](#footnote-6)

**اشکال**

مرحوم **صدر** می فرماید اصل تفریع اعتبار امتثال ظنی بر قاعده عدم وجوب دفع ضرر محتمل و ادعای تلازم بین آن ها، خطأ و ناتمام است اگرچه که گویا اصل این ملازمه و توقف مقبول مرحوم آیت الله **خوئی** واقع شده است، زیرا وجوب دفع ضرر محتمل در مواردی جاری خواهد بود که سابق بر آن تکلیف منجزی وجود داشته باشد تا در مقام امتثال، از وجوب و عدم وجوب دفع ضرر محتمل سخن به میان آید. بنابراین اثبات منجزیت تکلیف پس از امتثال ظنی از طریق این قاعده مستحیل خواهد بود زیرا منجزیت تکلیف، سابق بر آن است نه لاحق بر آن و در فرض عدم علم به تنجز تکلیف، اساسا عقوبتی متوجه مکلف نیست تا نسبت به وجوب یا عدم وجوب دفع آن شک شود.[[7]](#footnote-7)

**جواب**

به نظر می رسد مرحوم **صدر** بین دو حوزه ثبوت تکلیف و سقوط تکلیف خلط کرده اند زیرا کلام مرحوم **آخوند** و آیت الله **خوئی** ناظر بر مواردی بود که اصل تنجز تکلیف مسلم است و در مقام امتثال آن شک در اعتبار امتثال ظنی بشود. همچنین بر اساس احتمال ترک تکلیف واقعی در موارد امتثال ظنی، نیازمند بیان بودن لزوم حصول قطع به امتثال و قبح عقاب ترک امتثال یقینی بدون بیان ارتباطی به بحث منجزیت تکلیف نخواهد داشت زیرا تکلیف منجز برای بار دوم به تنجز نمی رسد.

اللهم الا أن یقال که مقصود مرحوم **صدر** از این اشکال آن باشد که اگر قاعده عدم وجوب دفع ضرر محتمل مورد پذیرش واقع شود و موجب اعتبار امتثال ظنی باشد، همانا باید علاوه بر حوزه امتثال و سقوط تکلیف، در حوزه ی تنجز و ثبوت تکلیف نیز مورد تمسک قرار گیرد که لازمه ی آن عدم حجیت ظن خواهد بود زیرا حتی اگر دلیل ظنی بر ثبوت تکلیفی قائم شود، عقوبت بر ترک آن احتمالی است (نه متیقن) و براساس عدم وجوب دفع ضرر محتمل، مثبِت تکلیف نخواهد بود. همچنین لازمه پذیرش قاعده وجوب دفع ضرر محتمل نه تنها عدم اعتبار امتثال ظنی بلکه منجزیت ظن (حجیت عقلی ظن) می باشد.

**مختار در مسأله**

به نظر می رسد این بحث از دو منظر قابل عرضه و بررسی می باشد:

1. از منظر شارع — یعنی در چه مواردی تکلیف مولی برای عبد منجز (تام بودن مسئولیت عبد در برابر تکلیف) است و عقوبت او در فرض ترک تکلیف، ظلم نمی باشد. بنابراین از این منظر با علم به ثبوت تکلیف منجز، در فرض امتثال ظنی، عقوبت مکلف نسبت به ترک تکلیف واقعی عقلا قبحی نخواهد داشت.
2. از منظر مکلف — یعنی در چه مواردی عقل عبد امتثال تکلیف مولی را ضروری می داند. بدیهی است که اگر عقل احتمال عقوبت بر ترک تکلیف متیقن در فرض امتثال ظنی را ضعیف و دفع آن را لازم نداند (کما ادعی الآخوند و الخوئی)، دلیلی بر وجوب علم به امتثال وجود ندارد و صرف عدم قبح عقوبت از جانب شارع نسبت به ترک تکلیف واقعی و احتمال مجازات، محرکیت و باعثیت نخواهد داشت (مانند اقدام به رانندگی با وجود احتمال تحقق حادثه جاده ای).
1. اساسا امتثال به چهار صورت قابل تحقق است:

امتثال قطعی —مربوط به مواردی است که مکلف یقین به امتثال و سقوط تکلیف پیدا نماید مانند صلاة به سمت قبله متیقن.

امتثال اجمالی —مربوط به مواردی است که مکلف علم اجمالی به امتثال و سقوط تکلیف پیدا نماید مانند صلاة به جهات اربعة.

امتثال ظنی— مربوط به مواردی است که مکلف ظن به امتثال و سقوط تکلیف پیدا نماید مانند صلاة به سمت مظنون القبله.

امتثال احتمالی— مربوط به مواردی است که مکلف احتمال امتثال و سقوط تکلیف را بدهد مانند صلاة به سمت محتمل القبله. [↑](#footnote-ref-1)
2. و هو المحقق الخوانساري - في مشارق الشموس: ۷۹ - حيث قال»: إذا كان أمر أو نهي بفعل إلى غاية - مثلا - فعند الشك في حدوث تلك الغاية لولم يمتثل التكليف المذكور لم يحصل الظن بالامتثال والخروج عن العهدة، وما لم يحصل الظن لم يحصل الامتثال» ، فإن ظاهره الاكتفاء بالظن بالفراغ في سقوط الواقع بعد العلم بثبوته، وإلا لقال ) :لم يحصل القطع بالامتثال والخروج عن العهدة.( [↑](#footnote-ref-2)
3. أنّه لا ريب في أنّ الأمارة غير العلميّة ليست كالقطع في كون الحجّيّة من لوازمها ومقتضياتها بنحو العلّيّة ، بل مطلقا؛ وأنّ ثبوتها لها محتاج إلى جعل، أو ثبوت مقدّمات وطروء حالات موجبة لاقتضائها الحجّيّة عقلا ـ بناء على تقرير مقدّمات الانسداد بنحو الحكومة ـ. وذلك لوضوح عدم اقتضاء غير القطع للحجّيّة بدون ذلك ثبوتا ـ بلا خلاف ـ ولا سقوطا ؛ وإن كان ربما يظهر فيه من بعض المحقّقين الخلاف والاكتفاء بالظنّ بالفراغ ؛ ولعلّه لأجل عدم لزوم دفع الضرر المحتمل، فتأمّل.

کفایة الاصول جلد ۲ صفحه ۲۷۶ [↑](#footnote-ref-3)
4. اقول : ممکن است که گفته شود که احتمال مدّ نظر در قاعده وجوب دفع ضرر محتمل ناظر بر احتمال ضعیف و غیر معتد به است و از این رو عدم اعتبار امتثال احتمالی نقض این استدلال نخواهد بود زیرا در چنین فرضی احتمال عقوبت کما کان قوی و معتد به است فافهم. [↑](#footnote-ref-4)
5. ممکن است گفته شود که حتی در حوزه ضررهای دنیوی، عقل بر اساس تزاحم منفعت و ضرر و ترجیح جلب منفعت، حکم به عدم وجوب دفع ضرر محتمل می نماید نه اینکه عقل راسا دفع ضرر دنیوی را ضروری نمی داند. [↑](#footnote-ref-5)
6. أقول: الأمر بالتأمل إشارة إلى أن ما ذهب إليه هذا القائل وهو صاحب الحاشية يختص بصورة عدم التمكن من الامتثال العلمي، فكفاية الامتثال الظني إنما تكون في فرض الانسداد، وإلاّ فهو بديهي البطلان. و لا يتم التوجيه المتقدم عنه قدّس سرّه فانه يرد عليه.

أولا: أن ذلك يستلزم جواز الاكتفاء بالامتثال الاحتمالي أيضا، ولا يلتزم به‌ القائل ولا غيره.

و ثانيا: أن ما وقع الخلاف في لزوم دفعه إنما هو الضرر الدنيوي لا الأخروي، ومن ثم لم يخالف أحد في لزوم الفحص في موارد الشبهات الحكمية مع أنه ليس هناك إلاّ احتمال العقاب، فتحصل أن الظن كما لا يكون حجة ثبوتا لا يكون حجة سقوطا.

دراسات فی علم الاصول جلد ۳ صفحه ۱۰۳ [↑](#footnote-ref-6)
7. واما الجهة الثانية ـ فقد جاء في الكفاية انَّ الظن لا يكون حجة في تفريغ الذّمّة بذاته ولو كان يظهر من كلمات بعضهم الاكتفاء بالامتثال الظني على القاعدة ، ولعله باعتبار عدم وجوب دفع الضرر المحتمل لأنَّ الاقتصار على الامتثال الظني يوجب احتمال عدم تحقق الامتثال وبالتالي احتمال الضرر فلو قيل بعدم وجوب دفعه أمكن الاكتفاء بالامتثال الظني بل يكفي الامتثال الاحتمالي حينئذٍ أيضاً ولعله قصده بامره بالتأمل. وعلى كل حال قد ربط التنجز في المقام بمسألة دفع الضرر المحتمل.

وظاهر عبائر الدراسات إمضاء هذا الابتناء والتفريع ، ولكن أشكل عليه بأنَّ وجوب دفع الضرر في المقام متفق عليه لأنَّ الضرر المحتمل هو العقاب الأخروي ولا خلاف في لزوم دفعه من أحد وانما النزاع بينهم إنْ كان ففي لزوم دفع الضرر الدنيوي.

والتحقيق : انه لا ربط بين المسألتين من رأس لأنَّ قانون دفع الضرر المحتمل انما تنتهي إليه بعد فرض احتمال الضرر والعقوبة وهو فرع تنجز التكليف في الرتبة السابقة دائماً إذ مع عدم تنجز التكليف يقطع بعدم العقاب فيستحيل أَنْ يكون التنجز ناشئاً ببركة هذا القانون.

بحوث فی علم الاصول جلد ۴ صفحه ۱۸۷ [↑](#footnote-ref-7)